

هوای یتیم و فقیر را بیشتر داشته باشیم

احمد عدالتیان در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، سه آیه اول سوره ماعون را باهم تلاوت می کنیم که خداوند متعال می فرماید: «أَنتَ الَّذِي يَكْذِبُ الْإِذْنِ، فَذِكْتَ الَّذِي بَدَعْتَ الْإِثْمَ، وَلَا يُخْفِي عَلَيَّ ظَنَامُ الْهَشَكِينَ، أَيْ كَسَى كَ هُمُوهَ رَوْزَ جَزَا رَا انْكَارَ مَي كُنْد، دِيدِي ؟ هَمَان كَه یتیم را به خشونت و جفا از خود می راند و [کسی را] به طعام دادن به مستمند، تشویق نمی کند.»

در تفاسیر آمده است که این سوره درباره ابوسفیان نازل شده است که هر هفته دو شتر نحر می کرد، اما روزی یتیمی را که از او گوشت خواست، با عصای خود راند و این آیات برای بیان سیما و ویژگی های افراد منفی نازل شد که به دین، بدبین هستند. اولین ویژگی این افراد پس از انکار و تردید در روز قیامت، سهل انگاری درباره یتیم ها و فقیران است.

بنابراین از نشانه های ایمان، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و طرد یتیم و بی توجهی به مسکین، انسان را از خدا دور می کند، یعنی میان عقیده و عمل، رابطه تنگاتنگی وجود دارد و حتی مسائلی که به نظر جزئی است، مثل طرد یتیم، گاهی منجر به مسائل مهمی مثل تکذیب دین می شود.

خدمت به مردم درکنار عباداتی مثل نماز آمده و در اینجا حتی تأمین نیازهای عاطفی و محبت به یتیم، مقدم بر تأمین نیازهای جسمی و سیر کردن مسکین، بیان شده است. اماگاهی سنگدلی انسان به جایی می رسد که دربرابر سخت ترین نوع فقیر که مسکین است و دربرابر ضروری ترین نیاز که خوراک است، آن هم به مقدار مصرف روزانه، نه خود اقدامی می کند نه دیگران را به آن تشویق می کند.

احکام

آیا رسیدن صدای مداحی بانوان به گوش نامحرم، اشکال دارد؟

سمانه رضوانی در ماه های محرم و صفر که عزاداری و سوگواری برای حضرت اباعبدالله^(ع) در سراسر کشور برگزار می شود، بانوان مؤمن نیز با تشکیل مجالس زنانه، به سوگ، عزاو مرثیه خوانی می پردازند. یکی از مسائل مهمی که برای آن ها پیش می آید، این است که صدای مداحی شان، ممکن است به گوش مردان نامحرمی که از بیرون مجلس عبور می کنند، برسد. از آنجا که رعایت حدود شرعی و پرهیز از هرگونه عامل تحریک و فساد، از دغدغه های اصلی بانوان متدین است، دانستن نظر مراجع عظام تقلید در این زمینه ضروری به نظر می رسد. به همین منظور، در ادامه عین عبارات چهار تن از مراجع بزرگوار را درباره این مسئله بیان می کنیم تا بانوان عزادار با آگاهی کامل، مجالس خود را برگزار کنند.

آیت الله العظمی شهید، سید علی خامنه ای:

«مداحی زن در جایی که می داند نامحرم صدای او را می شنود، اگر موجب جلب توجه و تهییج نامحرم و یا مفسده دیگری شود، جایز نیست.»

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

«باید به شکلی بخوانند که صدای آن ها را نامحرم نشنود.»

آیت الله العظمی سبحانی:

«هرگاه شنیدن نوحه خوانی زن، مفسده نداشته باشد، اشکالی ندارد. والله اعلم.»

آیت الله العظمی سیستانی:

«مداحی یا مرثیه خوانی بانوان، چنانچه با تلطیف و ترقیق صدا یا مانند آن همراه است، طوری که عادتاً موجب تهییج شنونده می شود، لازم است از رساندن صدا به نامحرم پرهیز شود.»

آداب زیارت

وقتی فاصله، مانع رسیدن نیست

علیرضا وکیلی گاهی دلت هوای حرم می کند، اما دست به ضریح نمی رسد و پایت به بارگاه یار یگی گرفتار بیماری است، دیگری توان مالی سفر ندارد، یکی هم مسئولیتی بر دوش دارد که اجازه راهی شدن نمی دهد. در چنین لحظه هایی، این پرسش در ذهن بسیاری شکل می گیرد که آیا زیارت از راه دور، جای زیارت حضوری را می گیرد؟ آیا سلامی که از صداها کیلومتر دورتر فرستاده می شود، واقعا می رسد؟

فرهنگ زیارت در معارف اهل بیت^(ع) پاسخ امیدوارکننده ای به این دغدغه می دهد. رسول خدا^(ص) فرمودند: «مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِ سَيِّدَتِهِ، وَفَنَ سَلَّمَ عَلَيَّ مِنْ بَعِيدٍ لَيْفَنَّهُ، هرکه کنار قبرم بر من سلام دهد، سلامش را می شنوم و هرکه از دور بر من سلام دهد، آن سلام به من رسانده می شود.» این روایت نشان می دهد که ارتباط معنوی یا پیامبر اکرم^(ص)، محدود به فاصله های جغرافیایی نیست. سلام عاشقانه، اگر از دل برخیزد، راه خود را پیدایم کند.

البته این سخن به معنای بی اهمیت بودن زیارت حضوری نیست. در روایات فراوان، برای قدم برداشتن به سوی زیارت، حضور درکنار مرقد اولیای الهی و تحمل سختی سفر، فضیلت های ویژه ای بیان شده است. حضور در حرم، حال و هوایی می آفریند که جایگزینی برای آن نیست، اشک کنار ضریح، هم نفسی با زائران و بریدن از مشغله های روزمره، هرکدام بخشی از تربیت روح انسان است. اما اگر این حضور ممکن نباشد، در ارتباط بسته نمی شود. زیارت از دور، راهی است که خود اهل بیت^(ع) پیش روی شیعیان گشوده اند تا هیچ دلداه دای احساس محرومیت نکند.

قرآن کریم نیز یادآوری می کند که برای ارزش هر عمل، به نیت و جهت قلب انسان وابسته است: «وَأَنْ تَقِیَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، برای انسان جز آنچه تلاش کرده، نیست.» (نجم/۳۹) گاهی تلاش یک مشتاق، صبر بر نرسیدن و زنده نگه داشتن پیوند قلبی با اولیای الهی است. چنین دلی، اگرچه از حرم دور است، از صاحب حرم دور نیست.

حافظ نیز همین حقیقت را با زبانی شاعرانه بیان کرده است:
گرچه دوریم، به یاد تو قدح می گیریم

نُعد منزل نبود در سفر روحانی

معیار اصلی، نزدیکی دل هاست، نه کوتاهی یا بلندی راه ها. اگر امروز امکان تشرّف نیست، می توان رو به قبله ایستاد، سلام داد، زیارت نامه خواند و دل را روانه حرم کرد. اما همین زیارت از دور باید شوق رسیدن را زنده نگه دارد، نه اینکه جای آرزوی حضور را بگیرد. زیارت از دور، نعمتی بزرگ و پذیرفته در فرهنگ اهل بیت^(ع) است، اما هرگاه راه باز شد، هیچ چیز جای ایستادن در آستان محبوب را نمی گیرد.



معنای تعبیر «ارواح» در زیارت عاشورا را بررسی کرده ایم

جان های باوفایی که حقیقت کربلا را زنده نگه می دارند

حائیه سالم زیارت عاشورا از زیارت های مهم و با اهمیت در مکتب شیعه است و طبق روایات، حدیثی قدسی است؛ یعنی کلامی که از سوی خداوند تنظیم شده است و امام باقر^(ع) آن را به عنوان یک میراث الهی به شیعیان تعلیم داده اند. همواره در مناسبت های مختلف مذهبی، بر خواندن این زیارت، تأکید و اصرار می شود. اما پرسش اساسی اینجاست که علت این همه اصرار و تکرار چیست؟ زیارت عاشورا که سرشار از دعاها و خواسته های اخروی است، نشان دهنده قیمت و ارزش بالای انسان در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی است؛ چرا که وقتی انسان از خداوند، طلب مقام های متعالی را می کند، یعنی در چشم خالق، موجودی ارزشمند و شایسته است.

گزارش

شرح زیارت عاشورا



سلام، تجلی محبت و اطاعت

در فرازهای ابتدایی می خوانیم: «عَلَيْكُمْ وَنِي جَمِيعاً سَلَامُ اللهَ أَتَبَدَأُ...» این سلام، تنها یک تحیت ساده نیست، بلکه بیانگر پیوندی ابدی و ناگسستنی است. از آنجا که انسان به دلیل شکوه و عظمت ائمه^(ع)، خود را شایسته سلام مستقیم نمی بیند، با قرار دادن خود به عنوان «حامل سلام خدا»، نوعی اظهار محبت و احترام بی کران را بیان می کند. «سلام»، در لغت به معنای «اطاعت» نیز هست. این عبارت، هم نشان از محبت ابدی دارد و هم بر لزوم تسلیم در برابر فرمان الهی تأکید می کند. همچنین حضرت آیت الله العظمی بهجت درباره معنی اینکه ما سلام الله را به امام حسین^(ع) تقدیم می کنیم می فرماید: یعنی ما ذوقم (اجازه دارم) در اینکه تحیت الله و سلام الله را بدهم به اباعبدالله و می دانم که خداوند از این کار راضی است.

جان های باوفا

وقتی می خوانیم «وَعَلَى الْأَرْوَاحِ أُنِّي» در این فراز از «ارواح» سخن می گوئیم، مقصود دقیقاً چیست؟ اگرچه برخی ممکن است ارواح را ملائکه مقرب یا پیامبران بدانند که در طواف قبر امام حسین^(ع) هستند، اما با نگاهی دقیق به قرائن و سیاق زیارت عاشورا، دیدگاه برگزیده این است که مراد از این ارواح، همان شهدای کربلا هستند. اینان همان جان های باوفایی هستند که در کوتاه ترین زمان ممکن به بالاترین درجات شرف دست یافتند. این ارواح فقط نام هایی در تاریخ نیستند، بلکه منشأ و محرک تمام انقلاب های اسلامی اند. وقتی ما به این ارواح سلام می گوئیم، درحقیقت به یاران وفاداری درود می فرستیم که باز کف دادن جان خود، حقیقت کربلا را برای همیشه در تاریخ ثبت کردند.

تکرار برای منور شدن تفکر معاندان

آیت الله العظمی جوادی آملی در کتاب «حماسه و عرفان» فرموده اند: سَرِ اینکه سفارش کرده اند هر روز زیارت عاشورا بخوانید و نسبت به اهل بیت^(ع) تویی داشته باشید و بر آن ها صلوات و درود بفرستید و از دشمنانشان تیری بپجویید. آن است که طرز فکر معاندان ایشان منفور شود، و گرنه هم اکنون سخن از معاویه و یزید نیست تا آن ها را لعنت کنیم. نام و یاد آن ها رخت بر بسته است و قبرشان نیز زبانه دانی پیش نیست، الان سخن از فکر و راه یزید و یزیدیان عصر است. اکنون نیز هم راه سالار شهیدان زنده است و هم مرام و مسلک اموی و مروانی و عباسی وجود دارد. اگر انسان بخواهد بفهمد که راهی راه حضرت حسین بن علی^(ع) است یا راهی راه امویان، باید ببیند که در او خوی ستم پذیری یا سلطه گری وجود دارد یا نه.

معنای فنا در عبارت «حلت بفنائک»

یکی از ظرافت های معنایی در این زیارت، عبارت «حلت بفنائک» است. در نگاه اول، ممکن است واژه «فناء» معنای نابودی و از میان رفتن را تداعی کند، اما در اینجا معنای کاملاً متفاوتی دارد. «فناء» در این سیاق، به معنای آستانه، پیشگاه و حریم است. این تعبیر، کنایه ای است از نهایت فداکاری و تسلیم شهدای کربلا در پیشگاه عظمت امام حسین^(ع). این یاران با ورود به «فناء» امام^(ع)، نشان دادند که تمام هستی خود را در آستان ولایت او قرار داده اند. آن ها نه برای بقای جسمانی بلکه برای بقای اصول حق و عدالت، پروانه وار در مسیر امام سوختند. این فراز، تصویری از یگانگی میان امام^(ع) و یارانشان را ترسیم می کند که در آن «فناء» در پیشگاه حق، تنها راه رسیدن به جاودانگی است.

معنای کلمه «روح»

در قلب این زیارت، با فرازی عمیق و پر از رمز و راز روبه رو هستیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ أُنِّي حَلْتُ بِفَنَائِكَ...» این تعبیر، نگاه ما را به سوی مفهوم «ارواح» سوق می دهد. آیت الله العظمی مکارم شیرازی در تبیین این واژه، بر ریشه های لغوی و معنایی آن تأکید ورزیده است. از نظر او، «ارواح» جمع روح است و دراصل به معنای دمیدن، نفس کشیدن و جان گرفتن است. از این رو روح به معنای «جان» و «تنفس» است. برخی نیز روح را به معنای «ریح» یا نسیمی لطیف می دانند؛ حقیقتی مجرد و مستقل که به دلیل خاصیت حیات بخشی و ناپیدایی اش، به باد تشبیه شده است. روح در عین تجرد و ماورایی بودن، پیوندی ناگسستنی با جسم و حیات مادی دارد و به عنوان سرچشمه تفکر و حرکت، جریان حیات را در کالبد انسان، تداوم می بخشد.

درنگ

حوادث اخیر و شهادت مظلومانه «قائد شهید امت»، بار دیگر لایه های عمیق پیوند میان مردم و آرمان های انقلاب را به رخ جهانیان کشید. تشییع ده ها میلیونی در تهران، پایتخت ام القریای جهان اسلام و شهرهای مقدس ایران و خروش بی سابقه مردم عراق در نجف اشرف و کربلا، تنها یک «تجمع احساسی» نبود، بلکه ظهور یک «گفتمان راهبردی» در جغرافیای مقاومت بود که می توان آن را در سه لایه علمی و تبیینی و اکاوی کرد.

منطق، انتقام حتمی... به منابه بازدارندگی

از دیدگاه حقوق بین الملل و اخلاق سیاسی اسلام، انتقام در اینجا «حق مقابله به مثل» و اجزای برای بازدارندگی است. در پیام قاطع رهبر معظم انقلاب در ۱۸ تیر ۱۴۰۵، عبارت «انتقام... به طور حتمی باید صورت بگیرد»، فراتر از یک گزاره عاطفی، یک «راهبرد عملیاتی» است. وقتی ایشان تصریح می کنند

انتقام؛ منطق موازنه قوا و مأموریت امت اسلامی

انجام خواهند داد، این تبیین، یک «دکترین جدید» در دیدگاه مقاومت است؛ «غیر متمرکز سازی عملیات خون خواهی». وقتی آرمان انتقام در ذهن هر آزاده ای در جهان نهاده شده است، دیگر هیچ سیستم امنیتی پوشالی در دنیا، قادر به رهگیری و مهار پاسخ نخواهد بود. این یعنی انتقام تبدیل به یک «گفتمان جهانی» شده است که دولت ها، تنها بخش کوچکی از آن هستند و توده های مردم، موتور محرک اصلی آن خواهند بود.

پیوند تاریخی، امت واحد، در تشییع شهدای جنگ

تشییع باشکوه در نجف و کربلا، نشان دهنده شکست قطعی پروژه «اختلاف افکنی» میان



عقود مجمع نمایندگان طلاب و قضایای حوزه علمیه قم

ملت ایران و عراق است. این تشییع نشان داد که خون شهید، می تواند گسل های مصنوعی را پیر کرده، «وحدت استراتژیک» را برپایه خون خواهی ایجاد کند. مردم عراق با این خروش، نشان دادند که در «مأموریت الهی انتقام»، خود را با ملت ایران در یک جبهه واحد می بینند.

در نتیجه ما به عنوان جامعه ایمانی، از این پس در عصر «انتقام غیرمتمرکز» به سر می بریم. پیام رهبر فرزانه انقلاب، چراغ راهی بود که به همه آزادگان اعلام کرد: «ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد.» این تبیین، نه تنها یک نوید پیروزی، بلکه یک نقشه راه برای تمام کسانی است که قلبشان برای عدالت می تپد. جنایتکاران باید بدانند که لیست آن ها تهیه شده است و «زمان» و «مکان» این انتقام، دیگر محدود به محاسبات کلاسیک نظامی نیست، بلکه در بستر اراده جمعی آزادگان جهان، نهفته است.